

خلاصه کتاب روشهای ارزشیابی آموزشی

نویسنده: علیرضا کیامنش / ناشر: پیام نور

بر اساس وضعیت منابع دانشگاه پیام نور سال ۱۴۰۴، از این کتاب فصول ۸، ۷، ۵ حذف هستند و لازم نیست که مطالعه شوند؛ در این خلاصه مابقی فصول باقیمانده تهیه و تنظیم شده‌اند.

فصل اول: دورنمای ارزشیابی آموزشی

■ پیشگفتار

- ✓ قدمت اندازه‌گیری و امتحان با قدمت آموزش و یاد دادن برابر است.
- ✓ در گذشته آموزش به صورت غیرنظام‌دار و غیررسمی بود و اندازه‌گیری نیز به همان صورت انجام می‌شد.
- ✓ با گسترش آموزش رسمی، اندازه‌گیری و امتحان نیز شکل رسمی به خود گرفت.
- ✓ فعالیت‌های اولیه امتحان و اندازه‌گیری بیشتر به تعیین میزان موفقیت فراگیران در یادگیری مطالب محدود بود.
- ✓ در اوایل قرن بیستم ابزارهای اندازه‌گیری (آزمون‌ها) رواج پیدا کردند.
- ✓ با تلاش رالف تایلر حوزه ارزشیابی آموزشی شکل گرفت و به عنوان یک حوزه مستقل در کنار سایر حوزه‌های علوم تربیتی جای گرفت.

■ تاریخچه ارزشیابی

- ✓ چینی‌ها قریب ۴۰۰۰ سال پیش برای انتخاب پرسنل اداری از امتحان استفاده می‌کردند.
- ✓ در ایران باستان، یونان (سقراط) و روم نیز مدارکی دال بر وجود امتحان وجود دارد.
- ✓ در زمان شاپور پادشاه ساسانی، در جندی‌شاپور برای دانشجویان پزشکی مجالس امتحان برگزار می‌شد و اجازه کار پزشکی مشروط به موفقیت در امتحان بود.
- ✓ در قرن هفتم هجری در مدرسه مستنصریه بغداد، به دلیل فزونی داوطلبان، امتحان ورودی برگزار می‌شد.
- ✓ در مدارس دوره قاجار ارزشیابی دو مرحله داشت: ارزشیابی روزانه (هر چند روز یکبار) و ارزشیابی نهایی (پایان کتاب یا سال).
- ✓ در دوره قاجار امتحان به دو صورت شفاهی و کتبی انجام می‌شد و حضور شاگردان دیگر ضروری بود.
- ✓ جوزف مایر رایس (۱۸۹۷-۱۸۹۸) با مطالعه عملکرد املای ۳۰۰۰ دانش‌آموز آمریکایی، نخستین فعالیت ارزشیابی آموزشی رسمی و نظام‌دار را انجام داد.



✓ آزمون‌های استاندارد در اوایل قرن بیستم رواج یافتند و جنبش اعتبارگذاری بر موسسات آموزشی آغاز شد.

✓ رالف تایلر در سال‌های قبل از ۱۹۳۰ فعالیت ارزشیابی را تعیین میزان موفقیت برنامه درسی از طریق اندازه‌گیری‌های حاصل از نمره‌های آزمون دانست.

✓ تایلر در فاصله سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۵ نتیجه گرفت که ارزشیابی باید حول هدف‌های آموزشی مشخص سازمان یابد.

✓ تایلر ارزشیابی را فرایند تعیین میزان انطباق هدف‌ها و عملکردهای برنامه تعریف کرد.

✓ تایلر پدر ارزشیابی آموزشی نامیده می‌شود و روش او هدف‌مدار است.

✓ پس از تایلر، روش‌های دیگری توسط افرادی مانند هاموند، متفسل و مایکل ارائه شد.

✓ اسکریون (۱۹۶۷) مفاهیم ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی تراکمی (پایانی) را مطرح کرد.

✓ استیک (۱۹۷۵) الگوی ارزشیابی پاسخگو را ارائه داد.

✓ استافل‌بیم (۱۹۷۱) الگوی ارزشیابی سیپ (CIPP) را با تمرکز بر تصمیم‌گیری ابداع نمود.

✓ انتقاد وارد بر روش تایلر، بی‌توجهی به پیامدهای ناخواسته و تمرکز صرف بر هدف‌های رفتاری از پیش تعیین شده بود.

■ تعریف‌های ارزشیابی

✓ مفهوم ارزش و تعیین بها در تمامی تعاریف لغوی ارزشیابی (فرهنگ‌های وبستر، دهخدا و ...) مشترک است.

✓ رالف تایلر: فرایند تعیین میزان موفقیت برنامه در رسیدن به هدف‌های آموزشی مطلوب. (تأکید بر تغییرات رفتاری فراگیران).

✓ پاپهام: ارزشیابی یعنی تعیین ارزش کردن. سنجش رسمی ارزش پدیده‌های آموزشی است.

✓ کرانباخ: جمع‌آوری و استفاده از اطلاعات جهت تصمیم‌گیری در مورد یک برنامه آموزشی. (تأکید بر بهبود برنامه).

✓ ارکان تعریف کرانباخ: ۱. جمع‌آوری اطلاعات ۲. استفاده از اطلاعات ۳. تصمیم‌گیری.

✓ استافل‌بیم و شینک‌فیلد: فرایند تعیین کردن، به دست آوردن و فراهم ساختن اطلاعات توصیفی و قضاوتی در مورد ارزش و مطلوبیت هدف‌ها، طرح‌ها و اجرا به منظور هدایت تصمیم‌گیری.

✓ ولف: ارزشیابی یعنی قضاوت. جمع‌آوری شواهدی که در نهایت به قضاوت ارزشی بیانجامد.

✓ بی‌بی: جمع‌آوری نظام‌دار و تفسیر شواهد که به قضاوت ارزشی منتهی شود و هدف آن اقدام (عمل) باشد.

✓ عنصر کلیدی تعریف بی‌بی، اقدام (Action) یا همان تصمیم‌گیری است.

■ تفاوت‌های ارزشیابی با چند مفهوم دیگر

الف) ارزشیابی و اندازه‌گیری



✓ اندازه‌گیری: فرایندی نظام‌دار برای اختصاص دادن اعداد به صفات یا اشیا بر اساس قواعد معین.

✓ اندازه‌گیری توصیف کمی است (مانند نمره هوش ۱۱۰)، اما ارزشیابی شامل قضاوت ارزشی و کیفی است (مانند باهوش بودن).

✓ اندازه‌گیری معمولاً فاقد قضاوت و داوری است، اما ارزشیابی بر پایه قضاوت استوار است.

✓ اندازه‌گیری ابزاری برای ارزشیابی است و اطلاعات لازم را فراهم می‌کند.

✓ هدف اندازه‌گیری معمولاً مقایسه ویژگی‌های فردی فراگیران است، اما هدف ارزشیابی بررسی کیفیت و اثربخشی برنامه آموزشی است.

✓ در منابع فارسی این کتاب، واژه سنجش مترادف با اندازه‌گیری به کار رفته است.

(ب) ارزشیابی و پژوهش

✓ انگیزه: نیروی محرک پژوهشگر، کنکاوی و کشف حقیقت است، اما انگیزه ارزشیابی حل مشکل، تصمیم‌گیری و اقدام عملی است.

✓ نتیجه‌مداری VS تصمیم‌مداری: پژوهش نتیجه‌مدار است (تولید دانش تعمیم‌پذیر)، اما ارزشیابی تصمیم‌مدار است (کمک به مجری برنامه برای تصمیم‌گیری).

✓ قضاوت: پژوهشگر در مورد خوب یا بد بودن یافته‌ها داوری نمی‌کند (فقط واقعیت را بیان می‌کند)، اما ارزشیابی ذاتاً با داوری و قضاوت در مورد مطلوبیت برنامه همراه است.

✓ تعمیم‌پذیری: پژوهش به دنبال قوانین کلی و روایی بیرونی (تعمیم به همه جا) است، اما ارزشیابی مختص یک موقعیت خاص است و روایی درونی برایش مهم‌تر است.

✓ روش‌شناسی: پژوهش از قواعد دقیق (نمونه‌گیری، گروه کنترل، کنترل متغیرها) پیروی می‌کند. ارزشیابی انعطاف‌پذیر است و همیشه امکان استفاده از روش‌های دقیق آزمایشگاهی (مثل گروه کنترل) را ندارد.

✓ ارزشیابی به کلیت لازم برای تعمیم یافته‌ها فکر نمی‌کند، بلکه به حل مسئله موجود می‌اندیشد.

✓ پژوهشگر در انتخاب موضوع، مدت زمان اجرا و نحوه عمل آزادی عمل دارد و بر اساس علاقه و تخصص خود کار می‌کند.

✓ مجری ارزشیابی معمولاً پروژه‌ای خاص را از طرف کارفرما دریافت می‌کند و فعالیت او تحت فشار زمانی معین است.

✓ ارزشیابی باید در موقعیت‌های خاص تصمیم‌گیری به بازخوردهای لازم برای تصمیم‌گیرندگان منجر شود.

■ (ج) ارزشیابی و پاسخگویی

✓ هر کس که فعالیتی انجام می‌دهد، باید شواهدی را نشان دهد که مشخص سازد آن فعالیت را در چه حد و با چه کیفیتی انجام داده است (مانند مسئولیت فروشنده در قبال کتاب ناقص).

✓ پاسخگویی یعنی تضمین کالا و تعویض در صورت ضرورت که باعث تلاش برای تولید کیفی، کارآیی و دوام بیشتر محصول می‌شود.

✓ در آموزش و پرورش نیز اولیاء انتظار دارند مدرسه در قبال پیشرفت فرزندان آنها پاسخگو باشد.

